

Analysing the vulnerability of female audiences in Iranian cinema based on the theory of epigenetics

A case study of two prominent films of Iranian cinema

Fereshte Salarkarimi^{*}, Mohammadali Safoora^{}**

Amirhasan Nedaei^{*}**

Abstract

Cinema has become the most popular and influential art form in the 20th century, knowing its influence on the audience, including the female audience, seems very important. The new research conducted in the field of epigenetics confirms the profound effects on human personality. Epigenetics is a theory in the field of heredity that states genes have memories to record events. This research, which is presented with the method of qualitative analysis and using the descriptive-analytical method, investigates the results of the conducted research, epigenetics, cinema on the vulnerability of women cinema audience and finally the possibility of transferring these roles including passivity and personality traits to generations. Traits to different future generations. The results of the analysis of the two selected target films from two different decades of Iranian cinema show that when a person is exposed to watching films in which women are shown as a passive being without decision-making power, her mind and consequently her character is significantly affected, and ultimately leads to more passivity.

^{*} Masters student in Cinema, faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Fereshte.salarkarimi@gmail.com

^{**} Assistant Professor, Department of Cinema and Animation, University of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author), safoora@modares.ac.ir

^{***} Assistant Professor, Department of Cinema and Animation, University of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. amir_nedaei@modares.ac.ir

Date received: 13/11/2024, Date of acceptance: 22/01/2025



66 Abstract

Keywords: *epigenetics, observational learning, cinema, vulnerability, passivity, women.*

تحلیل آسیب پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران بر اساس نظریه اپی ژنتیک

(بررسی موردی دو فیلم شاخص سینمای ایران)^۱

فرشته سالارکریمی*

محمدعلی صفورا**، امیرحسن ندایی***

چکیده

سینما طی قرن بیستم به پرطرفدارترین و تأثیرگذارترین گونه‌ی هنری تبدیل شده است، لذا شناخت تأثیر و تأثرات آن بر مخاطبان، ازجمله مخاطبان زن، امری بسیار مهم به نظر می‌رسد. تحقیقات جدید صورت گرفته در حوزه اپی ژنتیک به تأثیرات عمیق ژنتیک بر شخصیت انسان صحنه می‌گذارد. اپی ژنتیک (فراوراثت)، نظریه‌ای در زمینه توارث است که بیان می‌کند زن‌ها دارای حافظه‌ای برای ثبت وقایع هستند. این پژوهش که با روش تحلیل محتوای کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، تلاش دارد بر اساس نتایج تحقیقات اپی ژنتیک، تأثیر سینما بر آسیب‌پذیری زنان مخاطب سینما و در نهایت احتمال انتقال این نقش‌ها ازجمله انفعال و درماندگی شخصیتی را به نسل‌های آینده بررسی نماید. نتایج تحلیل دو فیلم هدفمند انتخاب شده، از دو دهه متفاوت سینمای ایران و تحقیقات صورت گرفته در حوزه روان‌شناسی، علوم اعصاب و اپی ژنتیک نشان می‌دهد، که بازنمایی مکرر زنان منفعل و درمانده در این فیلم‌ها، با فعال‌سازی نورون‌های آینده‌ای و درونی‌سازی الگوهای رفتاری، می‌تواند مسیرهای عصبی مرتبط

* دانشجوی کارشناسی ارشد سینما، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
fereshtesalarakrimi@gmail.com

** استادیار گروه سینما و انیمیشن، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
safoora@modares.ac.ir

*** استادیار گروه سینما و انیمیشن، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
amir_nedaei@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳



با درماندگی را تقویت کند. این فرایند، مطابق نظریه‌ی یادگیری مشاهده‌ای احتمال انتقال این الگوها به نسل‌های بعدی از طریق تغییرات اپی‌ژنتیکی را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اپی‌ژنتیک، یادگیری مشاهده‌ای، سینما، آسیب‌پذیری، انفعال، زنان

۱. مقدمه

اپی‌ژنتیک از کلمه‌ی یونانی اپی‌ژنزیس گرفته شده است که اشاره به تغییرات ژنتیکی در هنگام بیان ژن دارد. این تغییرات که عموماً تحت تأثیر عوامل محیطی مانند سبک زندگی، بیماری، و حتی تجربیات هیجانی رخ می‌دهند می‌توانند بر ویژگی‌ها ظاهری و رفتار تأثیر بگذارند (تغییر در فنوتیپ، بدون تغییر در ژنوتیپ) (Delcuve, Davie, 2009: 243)

مطالعات اخیر یافته‌هایی را در مورد تغییرات اپی‌ژنتیک در پاسخ به طیف وسیعی از عوامل محیطی خارجی نشان می‌دهد (Gregg & et, 2010, 644). این عوامل محیطی می‌توانند باعث تغییراتی در بیان ژن‌ها شوند که خطر آسیب دیدن سلامت روانی را در پی دارد. تعامل سه‌گانه‌ی ژنتیک-اپی‌ژنتیک-محیط ممکن است باعث تغییرات نامطلوب ژن شود که در بروز اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب و سایر اختلالات خلقی و شخصیتی موثر باشد. این تغییرات برخلاف تأثیرات روانی که اغلب ریشه در سالهای اولیه‌ی رشد فرد دارند در تمام طول عمر اعمال شده و اثرات خود را ظاهر می‌نمایند.

گرچه تأثیر اپی‌ژنتیک در ابتدا بر بیماری‌های جسمی مورد بررسی قرار گرفت؛ امروزه دامنه‌ی گسترده‌ای یافته و محققان به بررسی نقش آن در شکل‌گیری رفتار انسانی، ساختار روانی، نحوه‌ی عملکرد ذهنی و احساسات افراد می‌پردازند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد برای مثال چنانچه فرد یا افرادی یک شیوه‌ی خاص پاسخ‌دهی به عوامل هیجانی درونی و بیرونی را به هر ترتیبی فرا گرفته باشند، ممکن است که این سبک خاص پاسخ‌دهی، در کنار بازتولید فرهنگی در اثر تغییرات اپی‌ژنتیک نیز به نسل بعد منتقل گردد و نسل و یا نسل‌های بعدی را وادار کند رفتاری شبیه والد خود در آن موقعیت خاص بروز دهند. افسردگی، اضطراب، آسیب‌پذیری و رفتار منفعلانه و درمانده، یکی از این شیوه‌های رفتاری است که ممکن است از طریق اپی‌ژنتیک و تغییرات بیان ژنی در نسل‌های بعدی رخ داده باشد. شیوه‌ی پاسخ‌گویی منفعلانه و درمانده‌ی افراد به محرک‌های بیرونی می‌تواند ناشی از علل متعدد جسمی، روانی، فرهنگی و اجتماعی باشد؛ پس می‌توان گفت هر عنصر محیطی که به نوعی تأثیرگذاری بر فرد را داشته باشد، در این خصوص مهم و قابل بررسی می‌باشد.

سینما از جمله رسانه‌هایی است که به دلیل برخورداری از عنصر تصویر، توان بازآفرینی جنبه‌های متفاوت شخصیتی، اجتماعی، هویتی، جنسیتی و غیره را دارد. این رسانه نه تنها می‌تواند در شکل‌دهی به افکار و ایده‌ها و رفتارها در جامعه موثر باشد، بلکه نقش مهمی نیز در بازنمایی و حتی بازتعریف هویت جنسیتی، نقش‌های اجتماعی، و ارزش‌های فرهنگی داراست. از آن‌جا که سینما یکی از ابزارهای مهم مدنیت نوین و انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ، رفتار و ارزش است، بر شخصیت‌پردازی و نقش زنان و آسیب‌پذیری روانی آنان، رفتار و ذهنیتی که زنان از خود دارند تاثیر می‌گذارد. هم‌چنین سینما می‌تواند انتظارات جامعه از زن و نقش زن و به طور کلی زنانگی را مطابق با شخصیت‌پردازی‌ها و بازنمایی‌هایش تعیین کند. با توجه به گستردگی حوزه سینما و رشد آن شناخت سینما نیاز به بررسی و تحقیق درباره‌ی کل متغیرهای آن دارد. یکی از این متغیرهای کاربردی در سینما، جنسیت، به ویژه نقش زنان در سینمای امروز جهان و به طریق اولی ایران است.

بررسی و تعیین آسیب‌پذیری شخصیت‌های اصلی زن، شامل چند شاخص و مؤلفه‌ی اساسی از قبیل اعتماد به نفس، قدرت کنترل، سلامت روان، قدرت تصمیم‌گیری، حل مساله، دقت، نظم و غیره است. آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی، مؤلفه‌های جزئی همچون وضعیت خانوادگی، تحصیلات، طبقه‌ی اجتماعی، تأهل و غیره را در بر می‌گیرد (راودراد و فتح آبادی، ۱۳۹۰: ۸۸).

پرداختن به این مؤلفه‌ها و عوامل موثر بر آن‌ها از دل مشغولی‌های مهم روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده و از آن‌جایی که تحقیقات زیادی بر اهمیت تأثیرهای اپی‌ژنتیک بر ساختار ذهن، روان و عملکرد فرد از طریق روشن یا خاموش‌شدگی ژنی تمرکز کرده است، می‌توان به سینما و تأثیرهای آن بر افراد جامعه از این منظر نیز پرداخت. بدین صورت که آیا سینما می‌تواند با تأثیر بر ذهن و به تبع آن سایر وجوه شخصیتی مخاطب به طور معناداری اثر بگذارد و این تأثیر در نهایت به ایجاد چرخه آسیب‌پذیری و انتقال به نسل بعد منجر گردد. این مقاله در پی آن است که نشان دهد چگونه بازنمایی زنان در سینما می‌تواند به تقویت چرخه‌ی آسیب‌پذیری روانی-اجتماعی در مخاطبان زن و انتقال آن به نسل‌های آینده کمک کند. فرضیه اصلی این است که سینما، به‌عنوان یک «محیط فرهنگی»، قادر است با تأثیر بر بیان ژن‌های مرتبط با استرس و رفتارهای انطباقی، به‌صورت غیرمستقیم بر آسیب‌پذیری زنان اثر بگذارد.

۲. مبانی نظری

اپی ژنتیک به تغییر در بیان و بروز ژنها بدون تغییر در توالی آنها اشاره دارد. این تغییرات می‌تواند تحت تأثیر فاکتورهای متعددی مانند سن، محیط، روش زندگی و بیماری رخ دهد که باعث روشن یا خاموش شدن ژن‌ها می‌شود. عوامل فیزیکی و شیمیایی بسیار متنوعی در بروز این گونه جهش‌ها دخالت دارند. (سقاپور، ۱۳۹۵: ۵۲)

یکی از عواملی که می‌تواند در بروز ویژگی‌های یک زن تأثیر بگذارد فرآیند یادگیری است. تحقیقات نشان داده است که آنچه یک نسل تجربه می‌کند و در جهت بقا از آن تجربیات می‌آموزد در لایه‌های ژنتیکی ثبت و بایگانی می‌شود و بدین شکل رفتارهای ما می‌تواند تحت تأثیر خاطراتی باشد که نسل‌های گذشته‌ی ما تجربه کرده‌اند. این بایگانی گسترده بدون تغییر در ترتیب و توالی ژن‌ها احساسات و پاسخ‌های نسل گذشته به مسایل را به ما منتقل می‌کند. اپی ژنتیک با گنجاندن اثر تجربه‌ی زیسته‌ی گذشتگان بر عملکرد ژنوم، نقش اصلی محیط بر رفتار موجودات را تبیین می‌کند (Harper, 2005; Masterpasqua, 2009; Zhang & Meaney, 2010).

تجربیات محیطی مانند مواجهه با استرس شدید در دوران کودکی می‌توانند موجب تغییر در ساختار هیستون‌ها شوند. این تغییرات به فرد کمک می‌کنند تا با شرایط دشوار سازگاری یابد. برای مثال، قرارگیری در معرض استرس مزمن ممکن است با اصلاح هیستون‌ها، حساسیت فرد به موقعیت‌های تنش‌زا را کاهش دهد و رفتارهای اجتنابی را در آینده تقویت کند. این فرایند نه تنها بر پاسخ‌های فوری به استرس تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند حافظه بلندمدت و بیان ژن‌های مرتبط با آن نیز تحت تأثیر قرار دهد (Guan, 2002:486).

تحقیقات در زمینه تأثیر سینما بر مخاطبان و نحوه تفکر و زیست و طرح‌واره‌های ذهنی و رفتاری‌شان از سال‌ها پیش در دست انجام بوده است. تاکنون با تکیه بر همین تأثیرات معتقد است نقطه تمرکز رسانه‌ها بر فنای نمادین زنان استوار است. از نظر او این فرایند به معنای نمایش مردان و زنان در قالب نقش‌های سنتی است که هویت جنسیتی مبتنی بر سلطه مردانه را تقویت می‌کند. برای مثال، مردان عموماً به عنوان شخصیت‌های مسلط، فعال، جسور، و صاحب قدرت تصویر می‌شوند که در موقعیت‌های حرفه‌ای پیچیده (مانند رهبری، علوم، یا سیاست) ظاهر می‌شوند و موفقیت آنها ناشی از مهارت، منطق، و شایستگی‌های فردیشان است. در مقابل، زنان اغلب در نقش‌های تابع، منفعل، و حاشیه‌ای (مانند همسر، مادر، یا منشی) که

جنسیت‌شان، عواطف‌شان و عدم پیچیدگی‌شان به آنها تحمیل کرده است، ظاهر می‌شوند (استریناتی، ۱۳۸۰: ۵۳).

مکانیزم تأثیر فیلم‌ها بر افراد را می‌توان در دو سطح روانی-رفتاری و عصبی-زیستی بررسی کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند تماشای فیلم‌ها می‌تواند واکنش‌های هیجانی فوری (مانند اضطراب یا ترس) و همچنین تغییرات بلندمدت در نگرش و رفتار ایجاد کند. برای مثال، مطالعه کوبراک (Kubrak, 2020: 3) تأیید می‌کند که اضطراب ناشی از تماشای فیلم‌های تنش‌زا ممکن است هفته‌ها در ذهن مخاطب باقی بماند و بر تصمیم‌گیری‌های آینده او تأثیر بگذارد. پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند گرچه افراد در پی تماشای فیلم به طور صددرصد معنادار اقدام به ابراز خشونت نمی‌کنند، اما افراد مستعد خشونت از دیدن خشونت در فیلم‌ها و روش‌های خلق خشونت الگو برداری می‌کنند و چنانچه فردی برای یکبار به شیوه خاصی خشونت را که در فیلمی دیده انجام بدهد و پاداشی شامل نفع مادی یا روانی چون خشود و یا ابراز قدرت به دست بیاورد، محتمل است بر طبق اصول شرطی کلاسیک، آن را بعدها به طور مداوم به کار بگیرد. افزون بر این فرزندان او نیز به دلیل بودن در محیط خشن، مستعد ابراز خشونت و یادگیری این شیوه خشن با فرایند یادگیری مشاهده‌ای هستند (Anderson, 2003: 84).

این الگو محدود به خشونت نیست و در مورد احساسات دیگری چون درماندگی و انفعال نیز قابل مشاهده است. برای توضیح این پدیده، می‌توان به نقش نوروهای آینه‌ای اشاره کرد. این نوروها که در مغز انسان و برخی حیوانات وجود دارند، هنگام مشاهده رفتار دیگران فعال می‌شوند و امکان تقلید و درونی‌سازی آن رفتارها را فراهم می‌کنند. برای مثال کودکان مادران منفعل، به احتمال بیشتری رفتار منفعلانه نشان می‌دهند که این امر علاوه بر آموزش اجتماعی می‌تواند از طریق تأثیر نوروهای آینه‌ای نیز تفسیر و توجیه گردد. این مکانیزم عصبی-رفتاری در بازنمایی رسانه‌ای زنان نیز مشهود است.

گافمن، با تحلیل تصاویر رسانه‌ها نشان می‌دهد زنان در فیلم‌ها، بیشتر در حال دریافت کمک از مردان نمایش داده می‌شوند و مردان در این الگو به لحاظ شغلی کمتر در تصاویر مربوط به مهد کودک یا آشپزخانه قرار دارند. الگوی عقب‌نشینی مقبول نیز به این مساله اشاره دارد که زنان اغلب از طریق درگیری روان‌شناختی از موقعیت‌های اجتماعی عقب‌نشینی می‌کنند یا کنار نهاده می‌شوند، بدین‌گونه که مردان اغلب هدایت کارها را بر عهده می‌گیرند تا زنان را از این موقعیت حذف کنند (گافمن، ۱۳۸۰: ۴۸).

مجموع تحقیقات مذکور و تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که سینما از چند طریق بر رفتار و عملکرد افراد تأثیر می‌گذارد. این تغییرات که در سطوح مختلفی رخ می‌دهد، با توجه به نظریه‌های یادگیری اجتماعی و درونی‌سازی، قابل تبیین و توضیح هستند. نظریه‌ی یادگیری مشاهده‌ای نیز به شیوه و روش خود چنین امری را تأیید و تصدیق می‌کند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت عواملی نظیر روابط اجتماعی، محیط کار، عوامل فرهنگی مانند رسانه‌ها، به خصوص سینما، با تأثیر برسبک زندگی، می‌توانند از طریق تغییرات اپی‌ژنتیکی (مانند تنظیم بیان ژن‌های مرتبط با پاسخ به استرس یا رفتارهای اجتماعی)، بر فنوتیپ افراد تأثیر بگذارند.

حتی اگر افراد با ژن‌های خاصی به دنیا آمده باشند، روش زندگی آن‌ها (من جمله نوع فیلم‌های مشاهده شده توسط ایشان) می‌تواند بر نوع بروز و بیان ژن‌ها تأثیرگذار باشد (Hernandez & Blazer, 2006:10) و در صورت تثبیت در طول زمان به نسل بعدی منتقل شوند.

بنابر پژوهش‌هایی که نمونه‌ای از آن‌ها ذکر شد مخاطب سینما نه تنها از طریق یادگیری مشاهده‌ای و درونی‌سازی در معرض تأثیر است بلکه با برانگیخته شدن احساساتش به خصوص احساس استرس در معرض تغییرات اپی‌ژنتیکی است که احتمال انتقال این تأثیرات را به نسل آینده افزایش می‌دهد.

اکنون با توجه به وجود چنین تأثیراتی به بررسی احساسات منفی شخصیت‌های زن بازیگر و تأثیر ادراکی آن‌ها بر مخاطبان زن در دو فیلم نمونه‌ای می‌پردازیم. به زبان ساده هدف این است که احساسات و رفتار شخصیت‌ها و تأثیر آن بر مخاطب را تحلیل نماییم.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی پاسخ‌های باز پرسش‌نامه انجام شده است. به طور کلی تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات، و ارتباطات بین این مفاهیم سعی در استنباط و آشکار کردن الگوهای نهان در پرسش‌نامه، مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد مکتوب دارد. جامعه این پژوهش شامل زنان جوان ۱۸ تا ۳۰ سال بوده است. در این پژوهش از نظریه‌ی یادگیری اجتماعی و درونی‌سازی، بازتاب روانشناختی رسانه‌ها و مدل‌های روانشناسی اجتماعی از جمله درماندگی آموخته شده به عنوان چارچوب نظری کمک گرفته شده. شیوه‌های گردآوری داده‌ها عبارت است از: پرسش‌نامه محقق ساخته، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده فیلم و برداشت‌های عینی. انتخاب دو فیلم از سینمای ایران و تجزیه و تحلیل آن‌ها، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۷۳

برای اجرای این پژوهش از بین فیلم‌های مطرح سینمایی ایران با محوریت شخصیت اصلی زن پس از بررسی‌ها، فیلم‌های *دو زن*، *تهمینه میلانی* و *کافه ترانزیت* کامبوزیا پرتوی انتخاب و با مطالعه نظریات اپی‌ژنتیک، روان‌شناختی و اجتماعی مرتبط با موضوع و نقد و بررسی‌های صورت گرفته در نشریات و جراید پیرامون فیلم‌ها و مشاهده فیلم‌ها توسط پژوهش‌گر، به چند شکل تحلیل صورت گرفته که عبارتند از: تحلیل براساس نتایج پرسش‌نامه و تاثیر بر مخاطب، تحلیل بر اساس عوامل و موقعیت‌های آسیب‌زا، تحلیل براساس نظریه‌های روان‌شناختی مرتبط، تحلیل براساس واکنش شخصیت اصلی زن در موقعیت آسیب‌زا.

انتخاب این دو فیلم از میان فیلم‌های فراوان تولید شده در این سال‌ها بنا به دلایل متعددی بوده که از جمله می‌توان به بحث زمانی ساخت فیلم اشاره کرد. هر دو فیلم‌های انتخاب شده به مسائل زنان در دو دهه‌ی متفاوت (هفتاد و هشتاد) می‌پردازند. گرچه آن‌ها تنها فیلم‌هایی از این دست نیستند اما می‌توانند جریانات اجتماعی آن دو دهه را نمایندگی کنند و بازتاب‌دهنده‌ی چالش‌های ساختاری زنان در بستر سنت‌های مردسالارانه و قوانین ناعادلانه باشند. این دو فیلم نه تنها به دلیل حضور در جشنواره‌های معتبر در سطح بین‌الملل (مانند اسکار و جشنواره فجر)، بلکه به دلیل پرداخت نقادانه به موضوعاتی مانند خشونت خانگی، فشارهای اجتماعی، و مقاومت زنان در برابر ساختارهای تبعیض‌آمیز انتخاب شدند. موضوعاتی که به‌طور مستقیم با تجربیات روزمره‌ی زنان ایران مرتبط است و امکان هم‌ذات‌پنداری مخاطب را فراهم می‌کند. این آثار پیش‌رو در بازنمایی مسائل زنان در سینمای ایران گرچه یکی از بسیار نمونه‌های موفق هستند که به موضوع زنان پرداخته‌اند اما تأثیرشان بر گفتمان‌های اجتماعی حول حقوق زنان غیرقابل انکار است. با این حال می‌پذیریم که نمونه‌های دیگری نیز برای بررسی بوده و محدودیت‌های نگارش و زمان انجام پژوهش این انتخاب را محدود نموده است.

۴. تعریف مفاهیم و بحث نظری

۱.۴ تعریف مفاهیم

در این پژوهش با واکاوی دو فیلم از دو کارگردان مطرح سینمای ایران به تحلیل و بررسی آسیب‌پذیری، انفعال و درماندگی شخصیت‌های زن اصلی و تا حدودی فرعی این فیلم‌ها پرداخته شده است. به این منظور ابتدا به طور خلاصه به بررسی ادراکات و احساسات منفی و آسیب‌زا و تأثیرشان بر بدن و روان فرد می‌پردازیم سپس رد این گونه احساسات و ادراکات

تنش‌زای تجربه شده توسط شخصیت‌های زن فیلم‌های منتخب و نهایتاً بینندگان این دو فیلم را پی می‌گیریم.

- فشارهای روانی

مهم‌ترین منابع فشار روانی رویدادهای آسیب‌زا هستند. منظور از رویداد آسیب‌زا، موقعیت بسیار مخاطره‌آمیز و فراتر از دایره تجربه‌های معمولی زندگی است. مانند سیل، زلزله، جنگ، تعرض‌های جنسی، قتل و غیره (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۸۸). واکنش‌ها به فشار روانی بر دو دسته است.

۱. واکنش‌های روان‌شناختی به فشار روانی عبارتند از اضطراب، خشم و پرخاشگری، بی‌احساسی و افسردگی و اختلال شناختی.

۲. واکنش‌های فیزیولوژیایی عبارتند از افزایش میزان سوخت و ساز، افزایش ضربان قلب، گشاد شدن مردمک‌ها، افزایش فشار خون، افزایش میزان تنفس، افزایش تنش عضلانی، افزایش اندروفین و اس تی اچ، افزایش رها شدن قند از جگر (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۹۲). این واکنش‌ها نه تنها در مواجهه با رویدادهای واقعی رخ می‌دهند، بلکه تماشای فیلم‌هایی با محتوای تنش‌زا نیز می‌تواند سیستم عصبی را تحریک کرده و پاسخ‌های مشابهی ایجاد کند. برای مثال، صحنه‌های خشونت‌آمیز در فیلم‌ها ممکن است با فعال‌سازی دستگاه سمپاتیک، افزایش کورتیزول و اضطراب پایدار را به دنبال داشته باشند (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۹۷).

- اضطراب

اضطراب هیجانی ناخوشایند است و معمول‌ترین پاسخ به محرک تنش‌زاست. این احساس هم جنبه ادراکی دارد و هم واکنش فیزیولوژیکی با خود به همراه دارد. در واقع ما اضطراب را هم در ذهن و هم در جسم خود تجربه می‌کنیم (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۹۲).

- خشم و پرخاشگری

خشم واکنش رایج دیگر به موقعیت تنش‌زاست (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۹۴).

- خمودگی و افسردگی

وقتی شرایط تنش‌زا استمرار پیدا کند و شخص توفیقی در حل آن پیدا نکند، ممکن است خمودگی عمیق شده و وارد فاز افسردگی شود. نظریه درماندگی آموخته شده که توسط روانشناس آمریکایی مارتینسلگمن در دانشگاه پنسیلوانیا در اواخر دهه ۱۹۶۰ ارائه شد، نشان

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۷۵

می‌دهد که ممکن است رویدادی آزاردهنده منجر به افسردگی و درماندگی شود (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۴۹۴).

به دلیل اهمیت این موضع این بحث را مفصل‌تر پی می‌گیریم و نشان خواهیم داد در فیلم‌های مورد بررسی، شخصیت‌های زن غالباً در موقعیت‌هایی نمایش داده می‌شوند که امکان فرار یا تغییر شرایط را ندارند. این بازنمایی‌ها می‌توانند الگوهای درماندگی را در مخاطبان زن درونی‌سازی کرده و چرخه انفعال را تقویت کنند.

- درماندگی آموخته شده

در اواخر دهه ۱۹۶۰، روانشناس مارتین سلیگمن طی آزمایشاتی دریافت حیواناتی که در معرض تجربه‌های گریز ناپذیر دردناک یا نامطلوب (مثل شوک الکتریکی) قرار می‌گیرند در شرایطی که امکان گریز برایشان فراهم باشد نیز تلاشی برای تغییر وضعیت خود نمی‌کنند. این پدیده که به «درماندگی آموخته شده» معروف شد نشان می‌دهد که موجودات زنده پس از مواجهه مکرر با موقعیت‌های غیرقابل کنترل، انگیزه خود را برای تلاش از دست می‌دهند.

مطالعات بعدی بر روی انسان‌ها نیز الگویی ثابت از پاسخ‌ها را نشان داد. افرادی که در معرض شرایط استرس‌زای حل‌نشده (مانند محبوس شدن در موقعیت‌های بدون راهکار یا مواجهه با انتخاب‌های بن‌بست) قرار می‌گیرند، علائمی مانند: خلق افسرده، از دست دادن علاقه، از دست دادن اشتها، بی‌خوابی، افکار کند، از دست دادن انرژی، احساس بی‌ارزشی و گناه، کاهش توانایی تفکر و تمرکز ضعیف از خود بروز می‌دهند (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۲۹۲). فردی که درمانده می‌شود، بر این باور است که هیچ کنترلی بر موقعیتی که در آن است ندارد و در اثر این باور ناتوانی، حتی در صورت وجود راه حل‌های ممکن دست از تلاش می‌کشد.

- اختلالات شناختی

اختلالات شناختی به شرایطی اشاره دارد که در آن واکنش‌های هیجانی شدید موجب اختلال در عملکردهای ذهنی شود. هیجان شدیدی مثل اضطراب یا افکار منفی می‌تواند با مختل کردن قشر جلو پیشانی، توانایی فرد را در تصمیم‌گیری و انجام تکالیف پیچیده کاهش دهد. این تعریف رفتار جمعیتی را که در یک حادثه پشت‌دوری گیر کرده‌اند و به جای کشیدن در و فرار از محل حادثه، در را سراسیمه هل می‌دهند و نمی‌توانند از محل خارج شوند را توضیح می‌دهد.

- نوع دوستی

شاید بتوان نوع دوستی را به این صورت تعریف کرد: رفتاری که قصد آن کمک کردن به دیگر انسان‌ها باشد وقتی هیچ گونه نفع عاید شخص نشود یا انتظار نفعی نرود. رفتار نوع دوستانه باعث می‌شود فرد حس خوبی نسبت به خودش پیدا کند. این رویکرد نظریه تبادل اجتماعی نام دارد، اما دیدگاه‌های دیگری هم هستند. بدین معنا که انسان را دارای هم‌حسی می‌دانند؛ به این معنا که وقتی مردم می‌بینند کس دیگری پریشان است، پریشان می‌شوند و وقتی رنج‌های دیگران پایان می‌پذیرد، احساس راحتی می‌کنند. (میلر، آیزنبرگ ۱۹۸۸. به نقل از هیلگارد ۱۳۸۹: ۴۹۷)

- درونی‌سازی

اصولاً درونی‌سازی بدین معنی است که فرد یک رفتار یا طرز فکر و یا احساس به خصوص را که در اصل ریشه بیرونی دارد، چنان در عقاید، ارزش‌ها و احساسات خود می‌گنجاند که حتی در غیاب عامل بیرونی تلقین‌گر، آن فکر یا احساس و رفتار را کماکان ادامه داده، گویی که از ابتدا بر چنین عقیده و رفتاری بوده و جزئی از ارزش‌ها و عقاید و طرحواره‌های ذهنی و رفتاری اوست (هیلگارد، ۱۳۸۹: ۶۵۲).

۲.۴ نظریه یادگیری مشاهده‌ای

در طول قرن‌ها، یادگیری مشاهده‌ای بدیهی انگاشته و این گونه تبیین می‌شد که در انسان یک تمایل طبیعی برای تقلید آنچه می‌بیند وجود دارد. شناخت‌گرایان، به سرکردگی آلبرت بندورا، یادگیری مشاهده‌ای را عمده‌تأ پدیده‌ای کاملاً شناختی و خبرپردازانه معرفی کردند (Bandura, 1986:76). آن‌ها عقیده داشتند که توجیه یادگیری صرفاً با روش‌های شرطی‌سازی عامل و شرطی‌سازی کلاسیک نمی‌تواند تمامی آموخته‌های یک موجود زنده، خصوصاً انسان را تبیین نماید. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که یک موجود زنده می‌تواند از طریق مشاهده رفتار سایر هم‌نوعان خود در موقعیت‌های مختلف، رفتار آن‌ها را به طور آگاهانه به ذهن سپرده و در موقعیت یا موقعیت‌های مناسب استفاده نماید (آقایوسفی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

- تاثیر احساسات بر دی‌ان‌ای

تحقیقی در دانشگاه آتلانتا در آمریکا نشان داده است که عملکرد دی‌ان‌ای در پاسخ به تجربیات احساسی که بر روی فعالیت ژن‌ها تأثیر می‌گذارد، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

یافته‌های حاصل از پزشکی روان‌تنی، روان‌عصبی-ایمونولوژی، و روان‌عصبی غدد درون‌ریز نشان داده است که تجارب روانی اجتماعی و قرار گرفتن در معرض زندگی بر فرآیندهای درون سلولی از جمله فعال‌سازی، سرکوب سیستم ایمنی، رفتار انکوژنیک، تنظیم بیان ژن، فرآیندهای اپی‌ژنتیک، حالات عاطفی منفی (مانند اضطراب و افسردگی) و مثبت (مانند شادی و خوش بینی) تأثیر می‌گذارد. اکتشافات اخیر شواهد همگرایی‌های را ارائه می‌دهند که میتوکندری را در دو سطح عمده نشان می‌دهد: به عنوان هدف استرس و به عنوان واسطه پاتوفیزیولوژی استرس بنابراین سلامت و پیرشدن ما، به احساسات و ژنتیک ما وابسته است (Picard McEwen, 2018: 141). تحقیقات اخیر نشان داده است که رویدادهای محیطی و تجربیات رفتاری باعث ایجاد تغییرات اپی‌ژنتیکی در مکان‌های ژنی خاصی می‌شوند که به شکل‌گیری انعطاف‌پذیری و عملکرد نورو و در نتیجه رفتار کمک می‌کنند، و برخی از این تغییرات می‌توانند بسیار پایدار بوده و حتی برای تمام عمر باقی بمانند. شواهد فزاینده‌ای از این فرضیه حمایت می‌کند که انحراف در بازسازی کروماتین و اثرات بعدی بر بیان ژن در نواحی لیمبیک مغز به افسردگی و سایر اختلالات مرتبط با استرس مانند اختلال استرس پس‌از سانحه و سایر سندرم‌های اضطرابی کمک می‌کند (Vialou & et, 2013:63).

۲- تأثیرهای فیلم‌ها بر ترشح هورمون‌ها در مخاطب

دانشمندان دانشگاه میشیگان دریافتند که ژانرهای خاص فیلم و همچنین شخصیت‌های موجود در آن‌ها می‌توانند تأثیر عمیقی بر سطح هورمون‌های فرد داشته باشند. این محققان به این نتیجه رسیدند که سینما به ویژه بر سطح تستوسترون مردان و زنان تأثیرگذار است. مردانی که فیلم‌هایی را با مضامین زنانه‌تر تماشا می‌کردند، افت این هورمون حیاتی را تجربه کردند، در حالی که زنان متوجه تغییر اندکی شده یا حتی هیچ تغییری را تجربه نکردند. همچنین اعتقاد بر این است که فیلم‌ها تولید هورمونی را از نقطه نظر بیولوژیکی تحریک می‌کنند (Schultheiss, 2009:49).

۵. یافته‌های پژوهش، عوامل آسیب‌زای در نمونه‌های مطالعاتی

همان‌طور که مطرح گردید عوامل آسیب‌زای روانی می‌توانند شامل طیف وسیعی از موارد و مسائل و سوانح و تجربیات باشند. انتخاب از این طیف بسیار گسترده برای هر تحقیق و پژوهشگری واجب است چراکه عملاً نمی‌توان به تمام موارد آسیب‌زایی که بر شخصیت‌های یک فیلم و به تبع آن بر مخاطب تأثیر می‌گذارد پرداخت (چرا که موجب تشتت و گسترده‌گی

غیرمقبولی در کار می‌شود). بنابراین از میان طیف گسترده عوامل فردی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و عوامل بیرونی مانند جنگ و زلزله و غیره به چند مورد خاص که مهم‌ترو موثرترند می‌پردازیم. طبیعتست محقق دیگری با توجه به شرایط دیگر می‌تواند به گزاره‌های دیگری استناد کند و نقش آن‌ها را در همین فیلم‌ها پی بگیرد.

- قوانین حاکم در جامعه

گرچه اصولاً قوانین در جوامع جهت بهبود اوضاع زیست خلق می‌شوند اما قوانین به مرور شامل قداست و جایگاهی می‌شوند که فراتر از نقش اولیه‌ی آن‌ها در بهبود زیست آدمیان است. به نحوی که بعضی قوانین امری اهورایی و معنایی فراتر از زیست و ارزش انسان به خود می‌گیرند. این گونه قوانین در کشورهای جهان سوم منجمله کشور ما دارای اهمیت بسیار فراوانی هستند.

- سنت‌های حاکم در جامعه

علاوه بر قوانینی که به‌صورت مکتوب در جامعه لحاظ می‌گردند قوانین نانوشته‌ای هم از سوی مردم طی زمان مورد پذیرش قرار می‌گیرد که گاهی اهمیت‌شان از قوانین حقوقی هم بیشتر است. در این مقاله از این قوانین نانوشته اما مقبول عامه مردم به سنت نام برده می‌شود. امروزه به دلیل اینکه سرعت تغییرات اجتماعی در سطوحی از زندگی مانند علم و تکنولوژی چنان شدید شده که سنت‌های بسیاری توان هماهنگ و به‌روز شدن را از دست داده و به زبان ساده از پیشرفت و شرایط عینی جامعه عقب مانده‌اند. این گونه سنت‌ها به دلیل ماهیت مرد سالارانه و گاه زن‌ستیزانه‌ی جوامع ماقبل انقلاب الکترونیک خود عامل مهمی در آسیب‌زایی به زنان هستند.

- مردان جامعه

مردان جامعه به‌عنوان یکی از دو جنس انسانی در گذشته دارای حقوق و مزایا و حتی مسئولیت‌هایی بوده‌اند که در عرف و قانون به آن‌ها واگذار شده، هزاران سال زندگی بشر در تسلط قوانین و انگاره‌های مردسالارانه باعث خلق کهنالگوهای مردانه مستحکمی در اذهان مردان و حتی زنان گردیده. از دید محقق این امر عامل بسیار مهمی می‌باشد. خصوصاً آن‌جا که خواست مردان در تقابل با خواست زنان قرار می‌گیرند.

- زنان جامعه

زنان هم طبق آنچه در بالا گفته شد هزاران سال در معرض کهن‌الگوهای خاص مردسالارانه و تصور جنس دوم ناشی از ان باقی مانده‌اند. این کهن‌الگوها چنان قوی و پایدار است که حتی

در اشعار هنرمند متجدد وبه روز و زن مدرنی چون فروغ نیز خودنمایی می‌کند (شعر چرخ خیاطی). بنابراین نگارنده در این پژوهش این طرز فکر و لاجرم خود زنان را نیز از عوامل مهم آسیب‌زایی به زنان به شمار آورده است.

نکته

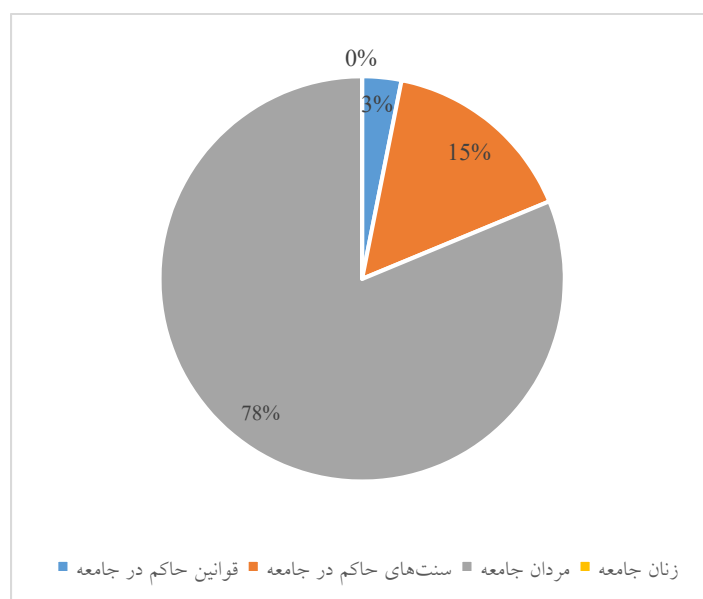
پرواضح است که می‌توان از عوامل دیگری چون حوادث طبیعی، شرایط خاص تاریخی مثل جنگ و انقلاب اسلامی و آموزش پرورش و اعتیاد و تحصیلات و فقر و... نیز به عنوان عوامل آسیب نام برد که در این مقاله مجالشان نیست. البته در تحلیل فیلم کافه ترازیت جنگ هم به عنوان عامل آسیب‌زا در نظر گرفته شده. چرا که جنگ گرچه عموماً مردها را می‌کشد اما زن‌هایشان را زجرکش می‌کند. به نظر محقق جنگ در این فیلم آیت مهمی است خصوصاً در کشور ما که طی هزاران سال تاریخ خود به ندرت صد سالی را در صلح گذرانده است. لازم به توضیح است که به هر صورت در این مقاله آنچه مهم است تأثیرات اپی‌ژنتیک عوامل آسیب‌زا بر افراد است و نه نوع عامل آسیب.

۱.۵ تحلیل فیلم دو زن

فیلم دو زن، ساخته تهمینه میلانی که در سال ۱۳۷۷ جزو پر فروش‌های روی پرده سینما بود و سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه را برای میلانی به ارمغان آورد. دو زن، داستان زندگی فرشته، دختری نابغه، ماجراجو، هنرمند، با اهدافی بلند است که به دلیل مزاحمت‌های حسن (خواستگار) و تعطیلی دانشگاه، مجبور می‌شود به شهرستان برگردد و آن‌جا با ادامه‌ی مزاحمت‌های حسن، که منجر به‌سانحه رانندگی و شکستن پای پسر بچه‌ای می‌شود، مجبور به ازدواج تحمیلی با احمد می‌شود، مردی بسیار سستی، بددل و بدبین، که فرشته را در چهار دیواری اسیر می‌کند.

در صحنه‌های زیادی از فیلم شاهد ناتوانی خانواده در حفظ امنیت خود هستیم. غیبت پلیس و ناکارآمدی نهادهای قانونی، نشان‌گر نوعی آسیب‌پذیری مفراط زن‌ها در سطوح عمیق جامعه‌ای است که کماکان در روابط سنت گرفتار است. به نحوی که در صحنه‌های بعد تنها وقتی پای مرگ به میان می‌آید، ما نشانی از قانون می‌بینیم. اما همین‌جا هم خشم جوان مزاحم در برابر قاضی حس اعتماد به قانون را از بین می‌برد. به نظر می‌رسد تلاش کارگردان دو زن تنها صرف نشان دادن بن‌بست زندگی زن‌های این فیلم شده. این تلاش البته توانسته با ایجاد صحنه‌های ناکامی پیاپی این حس استیصال را خصوصاً در تماشاگران زن القا کند. اما متأسفانه

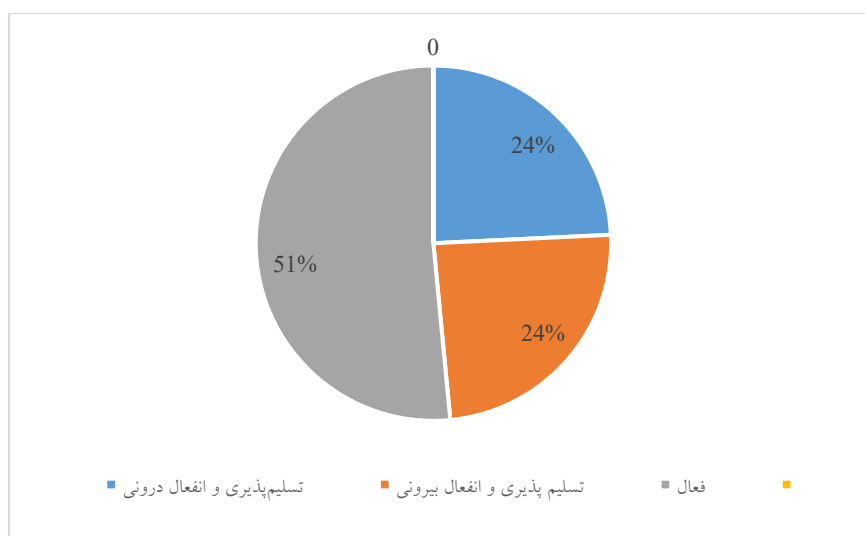
این فیلم با القا و تسری درماندگی آموخته شده‌ی زن فیلم به بیننده باعث ایجاد و تعمیق و گسترش همان چیزی می‌شود که سعی در مخالفت با آن داشته است. شناخت تجربه آسیب‌زایی که بر شخصیت و به تبع آن بر مخاطب تأثیر گذارده، از رفتار و گفتار شخصیت فیلم که به خوبی قابل مشاهده هستند، برداشت شده. در انتخاب صحنه‌های آسیب‌زا، تقریباً تمام صحنه‌های فیلم که شخصیت دچار یک حادثه یا رفتار آسیب‌زا شده، مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده از کوچک‌ترین صحنه نیز چشم پوشی نگردد. در تجزیه و تحلیل فیلم مشخص گردید که در سی و سه صحنه مجزا، شخصیت‌ها در معرض تهدید، آسیب روانی و جسمی و نهایتاً تنش قرار می‌گیرند. درجات این تنش می‌تواند کم یا زیاد باشد. با توجه به تأثیر این صحنه‌ها بر شخصیت، عوامل آسیب‌زا، واکنش شخصیت به موقعیت و احساس شخصیت در آن موقعیت بخصوص مشخص گردیده است. تأثیرات این صحنه‌ها بر مخاطب از لحاظ تجربه هیجانات منفی متعدد نیز با توجه به نتایج پرسش‌نامه در پایان این فصل به تفصیل آورده شده است.



شکل ۱. تحلیل موضوعی فیلم دو زن بر اساس عوامل آسیب‌زا
(قوانین حاکم بر جامعه، سنت‌های حاکم بر مردمان جامعه، مردان و زنان جامعه از میان عوامل آسیب در نظر گرفته شده اند)
ترسیم از نگارنده

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۸۱

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد با وجودی که به نظر می‌رسد مردان نقش مهمی بر انفعال زنان دارند، اما در بسیاری موارد این مردان نیستند که زنان را سرکوب می‌کنند، بلکه عرف و سنت‌های فرهنگی جامعه عامل اصلی هستند و مردان تنها مجری و پاسبان این فرهنگ و سنت‌اند و خود به نوعی قربانی به شمار می‌آیند.



شکل ۲. تحلیل موضوعی فیلم دو زن بر اساس واکنش شخصیت اصلی زن به موقعیت آسیب‌زا (واکنش‌های شخصیت‌های اصلی زن به سه دسته انفعال درونی، انفعال تحمیلی و فعال تقسیم شده است)

ترسیم از نگارنده

همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، با وجود این‌که فراوانی نسبی واکنش فعالانه شخصیت زن به موقعیت آسیب‌زا با انفعال خواسته یا ناخواسته او برابر است، اما در نهایت میزان تأثیرگذاری واکنش زنان به رویدادها بسیار ناچیز بوده و لاجرم تأثیر نهایی القای حس درماندگی و انفعال است.

جدول ۱. تحلیل موضوعی فیلم دو زن بر اساس احساس شخصیت اصلی زن در موقعیت

ردیف	موضوع	درصد تعداد
۱	ناامنی و ترس	۲۱٪ ۷

ردیف	موضوع	درصد تعداد
۲	افسردگی، درماندگی و شکست	۲۴٪ ۸
۳	اضطراب، استرس و نگرانی	۱۵٪ ۵
۴	احساس گناه	۶٪ ۲
۵	جبر و تحمیل	۲۴٪ ۸
۶	تحقیر و سرزنش	۶٪ ۲
۷	خشم	۳٪ ۱
۸	تعداد کل موقعیت‌های آسیب‌زا	۱۰۰٪ ۳۳

تنظیم از نگارنده

همان‌طور که از جدول شماره ۱ مشخص می‌شود، بیشترین فراوانی مربوط به افسردگی، درماندگی، شکست و جبر و تحمیل است. شرایطی که در آن زن دچار عدم کنترل بر موقعیت بوده باعث می‌گردد که حس جبر و تحمیل سنت‌ها و فرهنگ زن را در موقعیت روانی اضطراب و استرس و نهایتاً افسردگی قرار دهد. قرارگیری مداوم فرد در معرض موقعیت‌هایی که کنترلی بر آن‌ها از لحاظ شدت، حل و فصل و پیش‌بینی پذیری ندارد، او را به سمت درماندگی آموخته شده‌ی انتهای فیلم سوق می‌دهد. به‌طور کلی بیش‌ترین فراوانی عوامل آسیب‌زا در فیلم دو زن متغیرهای روان‌شناختی است.

۲.۵ تحلیل فیلم کافه ترانزیت

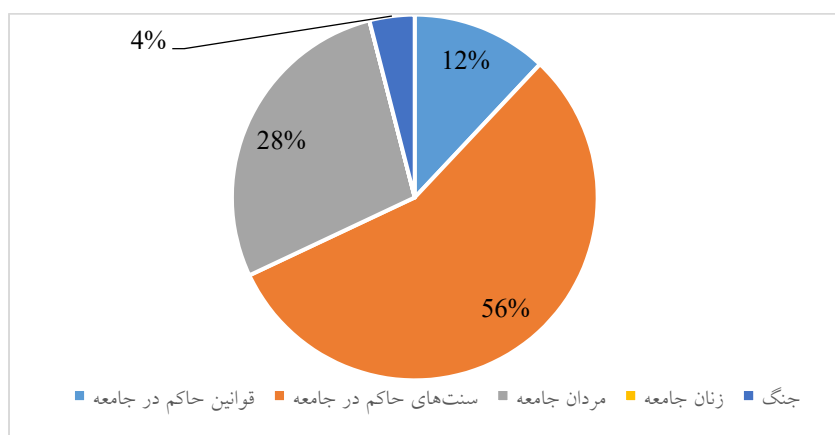
فیلم کافه ترانزیت محصول مشترک ایران و فرانسه که در جشنواره فجر سال ۱۳۸۳ موفق به دریافت سیمرغ‌های بلورین بهترین فیلم‌نامه و بهترین بازیگر نقش اول زن شد، داستان زنی به نام ریحان است که با مرگ شوهرش، برادر شوهر طبق سنت‌های حاکم در آن منطقه و دلبستگی به ریحان، اصرار به ازدواج با او را دارد، اما ریحان باتمام مزاحمت‌ها و تهدیدها و کارشکنی‌ها به این ازدواج تن نمی‌دهد و قهوه‌خانه‌ی متروک شوهرش را دوباره راه‌اندازی کرده و زندگی خودش را در شرایط سخت اجتماعی ادامه می‌دهد.

به مانند فیلم قبل شناخت تجربه آسیب‌زایی که بر شخصیت و به تبع آن بر مخاطب تأثیر گذارده، از رفتار و گفتار شخصیت فیلم که به خوبی قابل مشاهده هستند، برداشت شده و تقریباً

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۸۳

تمام صحنه‌های فیلم که شخصیت دچار یک تنش یا رفتار آسیب‌زا شده، مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده از کوچک‌ترین صحنه نیز چشم پوشی نگردد.

در تجزیه و تحلیل این فیلم نیز مشخص گردید که در بیست و پنج صحنه مجزا، شخصیت‌ها در معرض تهدید، آسیب روانی و جسمی و نهایتاً تنش قرار می‌گیرند. درجات این تنش می‌تواند کم یا زیاد باشد. با توجه به تاثیر این صحنه‌ها بر شخصیت، عوامل آسیب‌زا، واکنش شخصیت به موقعیت و احساس شخصیت در آن موقعیت بخصوص مشخص گردید.

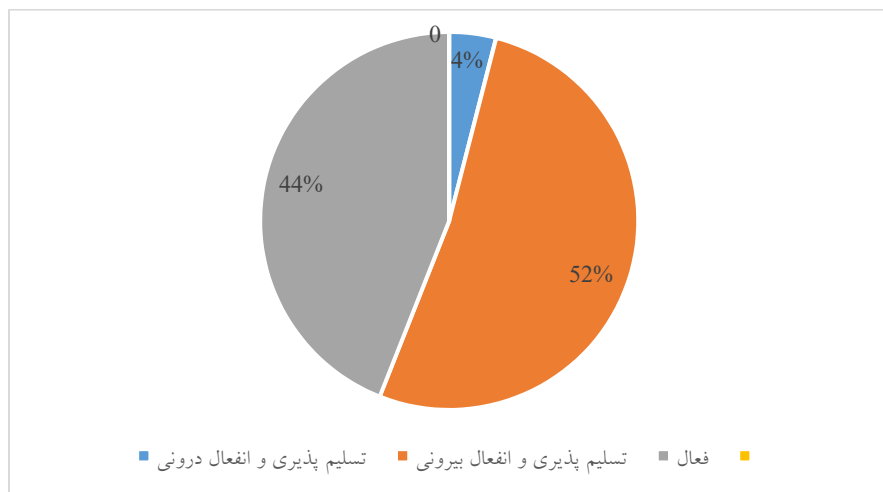


شکل ۳. تحلیل موضوعی فیلم کافه ترانزیت بر اساس عوامل آسیب‌زا

ترسیم از نگارنده

همان‌طور که نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد در فیلم کافه ترانزیت مشکل اصلی بر سر راه شخصیت زن سنت‌های حاکم بر جامعه است (با فراوانی ۵۶٪) برخلاف تصور رایج و سطحی، مشکل اصلی زنان قوانین و سلطه‌گری و خودخواهی و سلطه‌طلبی مردان نیست.

فیلم به خوبی معضل اصلی زنان را در بافت فرهنگی و سنت‌های مردم می‌داند. در این‌جا بحث درونی‌سازی به شدت نمود می‌یابد. مشکل قوانین بیشتر در سکوت و همراهی منفعلانه در برابر سنت‌هاست. از آنجایی که فشار عامل درونی شده بر انسان‌ها، بیشتر از نیروهای بیرونی است، نهایتاً انفعال و ناکامی و تعارض روان‌شناختی حاصل به درماندگی شدیدتر و عمیق‌تر خواهد بود. بدیهی است که احتمال رخ دادن درماندگی آموخته‌شده‌ای که در پی این فرایند رخ می‌دهد، بیشتر خواهد بود.



شکل ۴. تحلیل موضوعی کافه ترانزیت بر اساس واکنش شخصیت اصلی زن به موقعیت آسیب‌زا
ترسیم از نگارنده

همان‌طور که نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد، مهم‌ترین رفتار زن در موقعیت‌های آسیب‌زا تسلیم‌پذیری در برابر عامل قدرتمند بیرونی است (با فراوانی ۵۲٪). شخصیت ریچان در موارد زیادی در فیلم وارد رویارویی با موقعیت آسیب‌زا می‌شود، اما در نهایت زن در برابر نیروهای بیرونی قادر به مقاومت نیست و سکوت می‌کند. فرایند سیکل‌وار مبارزه و شکست، در نهایت زن را به سمت خستگی و فرسودگی روانی انتهای فیلم پیش می‌برد. نکته جالب توجه این است که در این فیلم زن توسط عوامل درونی‌شده وادار به تسلیم نشده؛ علت این امر غریب بودن زن است. شخصیت ریچان وابسته به بافت فرهنگی و بومی منطقه نبوده و لاجرم میزان درونی‌سازی انفعال در وی به حداقل رسیده. به نظر می‌رسد این امر که ریچان در پایان فیلم با وجود خستگی، کماکان در راه رسیدن به هدفش گام برمی‌دارد، به کم‌رنگی عامل درونی شده در قیاس با فیلم دیگر مورد پژوهش است.

جدول ۲. تحلیل موضوعی کافه ترانزیت بر اساس احساس شخصیت اصلی زن در موقعیت

ردیف	موضوع	درصد	تعداد
۱	نا امنی و ترس	۰	۰٪
۲	افسردگی، درماندگی و شکست	۴	۱۶٪
۳	اضطراب، استرس و نگرانی	۹	۳۶٪

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۸۵

ردیف	موضوع	درصد	تعداد
۴	احساس گناه	۰	۰٪
۵	جبر و تحمیل	۹	۳۶٪
۶	تحقیر و سرزنش	۱	۴٪
۷	خشم	۱	۴٪
۸	تعارض*	۱	۴٪
۸	تعداد کل	۱۰۰٪	۲۵

تنظیم از نگارنده

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد جبر و تحمیل که موجب اضطراب و استرس و نگرانی شخصیت زن می‌شود مهم‌ترین احساس درک شده توسط شخصیت زن فیلم می‌باشد. (با فراوانی ۳۶٪).

۳.۵ تحلیل نتایج پرسش‌نامه

در این بخش پرسش‌نامه‌ای با روش کیفی طراحی شده تا واکنش‌های هیجانی و رفتاری مخاطبان زن پس از تماشای فیلم‌های مورد مطالعه بررسی شود. جامعه آماری این پژوهش را زنان جوان ۱۸ تا ۳۰ ساله تشکیل داده‌اند که پس از تماشای این دو فیلم به پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. برای درک تاثیر بازنمایی زنان در این فیلم‌ها پرسش‌ها حول سه محور اصلی طراحی شده‌اند.

۱. تجربه هیجانات منفی

۲. تقلید آگاهانه از رفتار شخصیت‌های فیلم

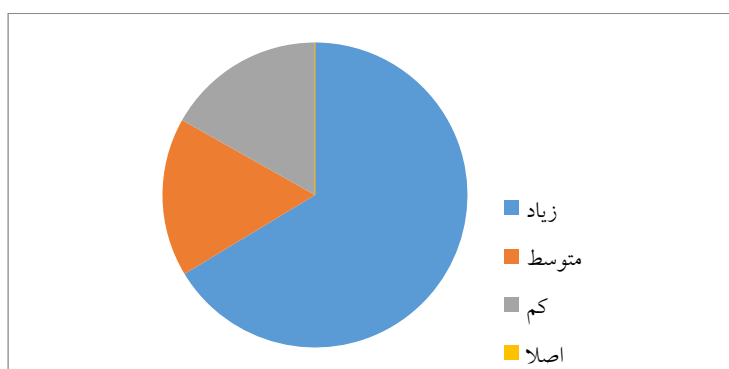
۳. تقلید ناخودآگاه از رفتار شخصیت‌های فیلم

پرسش‌های کلیدی که بر اساس احساسات، افکار و رفتارهای شخصیت‌های اصلی زنان در این فیلم‌ها بودند شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. آیا هنگام تماشای صحنه‌هایی از فیلم احساس ناامنی و ترس را تجربه کرده‌اند؟

۲. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس اضطراب، استرس و نگرانی را تجربه کرده اند؟
۳. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس افسردگی درماندگی و شکست را تجربه کرده اند؟
۴. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس گناه را تجربه کرده اند؟
۵. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس جبر و تحمیل را تجربه کرده اند؟
۶. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس تحقیر و سرزنش را تجربه کرده اند؟
۷. آیا هنگام تماشای صحنه هایی از فیلم احساس خشم را تجربه کرده اند؟
۸. آیا به صورت آگاهانه تجربه تقلید از الگوهای رفتاری شخصیت در فیلم ها را در گذشته داشته اید؟
۹. آیا به صورت ناخودآگاه تجربه تقلید از الگوهای رفتاری شخصیت در فیلم ها را در گذشته داشته اید؟
۱۰. عوامل آسیب زا برای زنان در این دو فیلم کدام گزینه است: قوانین حاکم بر جامعه. سنت های حاکم بر جامعه. مردان. زنان
۱۱. اگر در شرایط مشابه کاراکترهای این دو فیلم قرار بگیرند چه واکنشی خواهند داشت؟ مقاومت. تسلیم. انفعال. دیگران را مقصر دانستن.

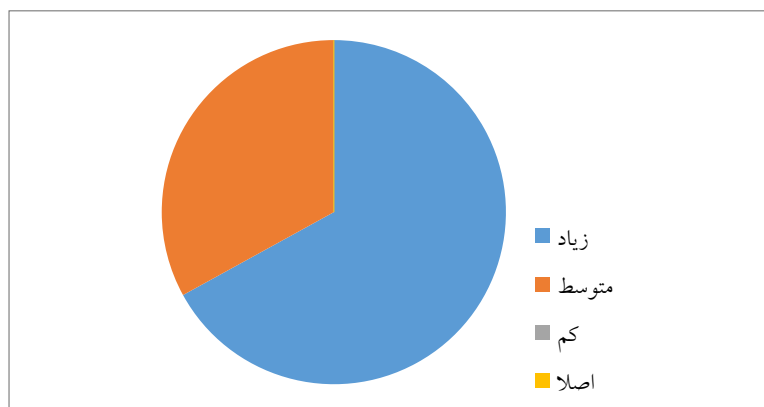
۱.۳.۵ تحلیل کیفی پاسخ ها



شکل ۵. تجربه احساس ناامنی و ترس در مخاطب

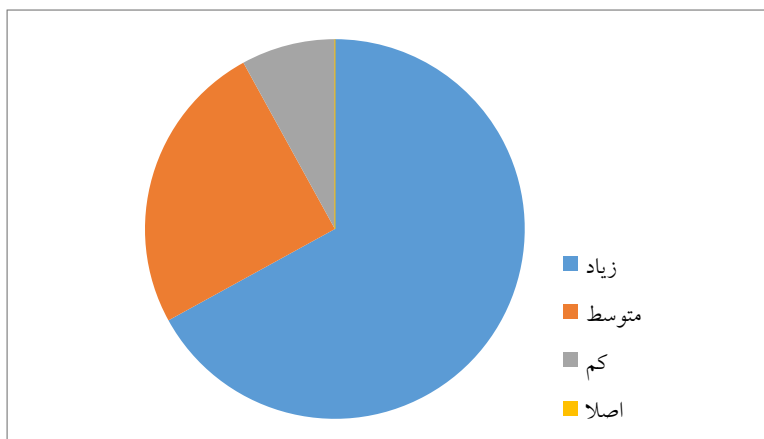
تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۸۷

بر اساس نتایج پرسش‌نامه احساس ترس و ناامنی با فراوانی (۶۷٪ زیاد و ۱۷٪ متوسط، ۱۷٪ کم و ۰٪ اصلاً) نشان می‌دهد مخاطب در زمان تماشای فیلم هیجان منفی و ناکارآمد ترس و ناامنی را تا حد زیادی تجربه کرده است.



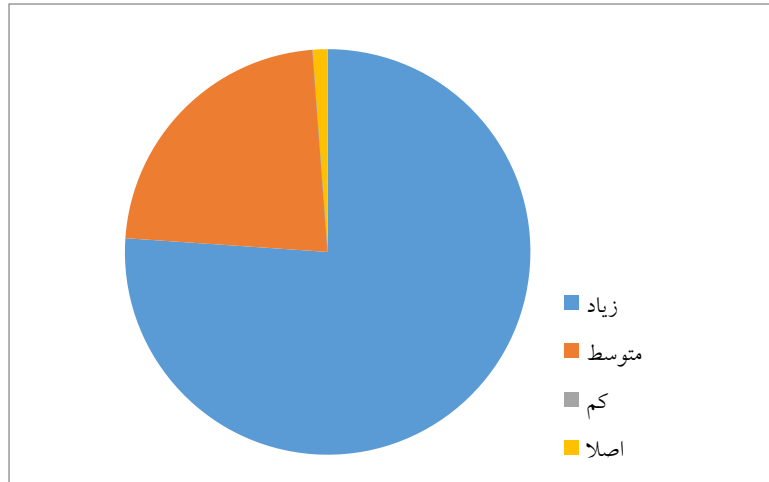
شکل ۶. تجربه احساس افسردگی و درماندگی در مخاطب

با توجه به فراوانی بالا در تجربه احساس افسردگی و درماندگی در مخاطب به هنگام تماشای فیلم (۶۷٪ زیاد، ۳۳٪ متوسط، ۰٪ کم و ۰٪ اصلاً) به نظر می‌رسد افراد جامعه مستعد افسردگی و درماندگی آموخته شده می‌باشند.



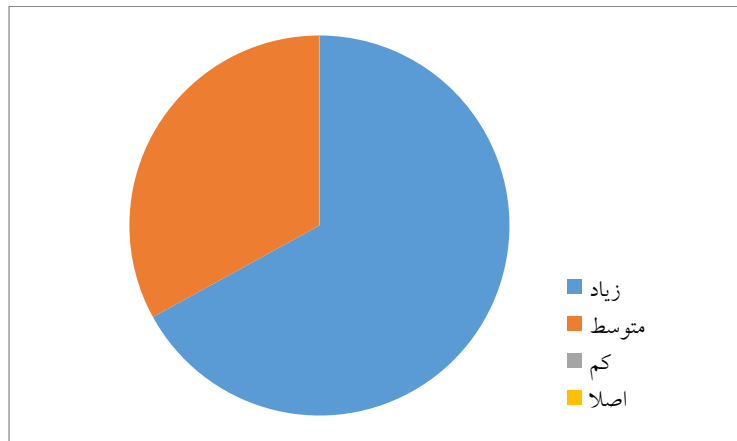
شکل ۷. تحقیر و سرزنش در مخاطب

احساس تحقیر و سرزنش با فراوانی ۶۷٪ زیاد، ۲۵٪ متوسط، ۸٪ کم و ۰٪ اصلا، نشان می‌دهد مخاطب شدیداً حس حقارت و سرزنش را در طی تماشا فیلم تجربه کرده است.



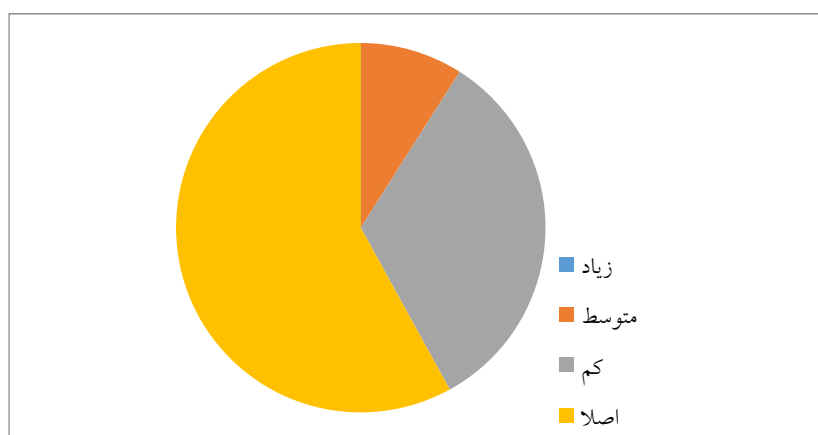
شکل ۸. تجربه حس خشم

با توجه به فراوانی بالا احساس درماندگی در مخاطب درصد فراوانی بالای خشم نیز (با ۷۷٪ زیاد، ۲۳٪ متوسط، ۰٪ کم، ۰٪ اصلا) هم‌سو به نظر می‌رسد.



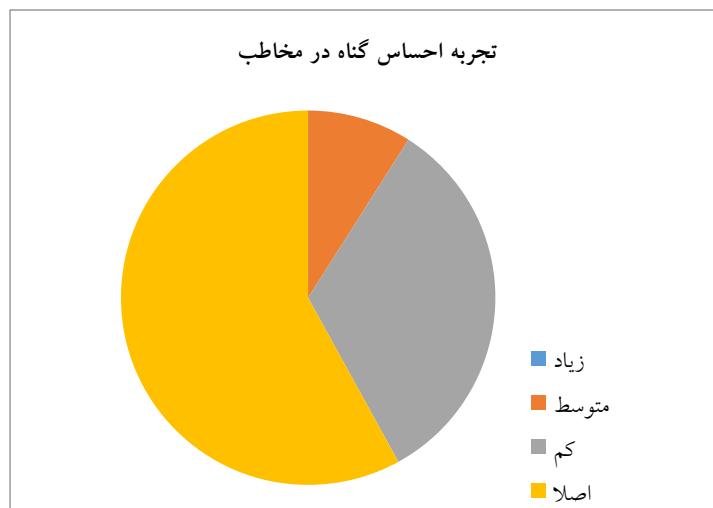
شکل ۹. تجربه احساس جبر و تحمیل

نتایج پاسخ‌ها در تجربه احساس جبر و تحمیل (۶۷٪ زیاد، ۳۳٪ متوسط، ۰٪ کم و صفر٪ اصلاً) کاملاً با احساس درماندگی و افسردگی منطبق است. جبر و تحمیل که موجب اضطراب و استرس و نگرانی شخصیت‌های زن می‌شود مهم‌ترین احساس درک شده توسط شخصیت‌های زن فیلم‌ها نیز می‌باشد. این امر به دلیل تأثیر و اهمیت سنت‌هایی که بین آدم‌های فیلم و تماشاگران مشترکند، تشدید می‌گردد. وجود فرهنگ و سنت‌هایی که زن را نه موجودی مستقل و کنشگر، که فردی وابسته به مرد و زندگی زنانه طبق تعریف پذیرفته شده‌ی آن سنت می‌داند. در این دیدگاه مخاطبان بین خود و زن اصلی فیلم، هم‌ذات‌پنداری کرده و خود را در او مشاهده می‌کنند، لاجرم حس فشار و جبر و تحمیل عمیقی که در جای‌جای فیلم شخصیت‌های زن را احاطه کرده مخاطب را به ستوه رسانده و زمینه‌ساز رسیدن او به حدی از استیصال می‌شود که البته از قبل نیز به آن مستعد بوده است. حضور خشونت عریان، تهدید، چاقوکشی، اسیدپاشی و تعقیب و گریز و حضور مزاحم مرد جوان در فیلم، باعث افزایش ترشح هورمون‌های کورتیزول و بالا رفتن سطح استرس و اضطراب در مخاطب می‌گردد. این صحنه‌ها که مخاطب را وادار به هم‌ذات‌پنداری با شخصیت تحت فشار می‌کند، باعث می‌گردد مخاطب ضمن تبدیل جبر بیرونی، به درماندگی درونی، انفعال را تجربه و به نوعی با عمیق‌ترین سطوح آگاهی خود درگیر می‌کند. در کنار عوامل فوق به نظر می‌رسد مشاهدی انفعال و عدم توانایی شخصیت‌ها در رهایی از وضع موجود به تعمیق حس افسردگی و نهایتاً درماندگی در مخاطب منجر می‌گردد. هم‌چنین در نبود امکان پیش‌بینی‌پذیری پایان وضع موجود و نبود امید به بهبود شرایط، استرس و تأثیر آن تشدید می‌گردد.



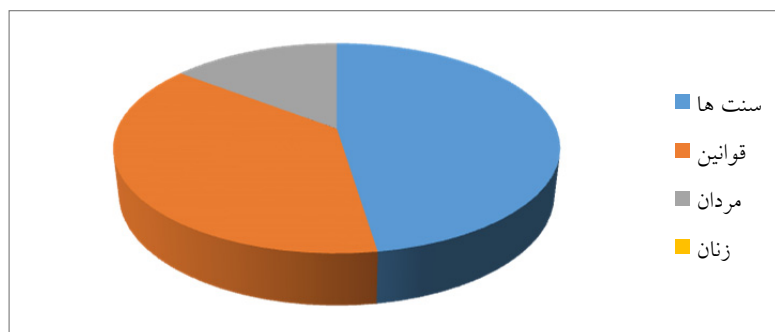
شکل ۱۰. تجربه حس شرم در مخاطب

با توجه به نمودار بالا فراوانی احساس شرم، ۰٪ زیاد، ۹٪ متوسط، ۳۳٪ کم و ۵۸٪ اصلا بوده است.



شکل ۱۱. تجربه احساس گناه در مخاطب

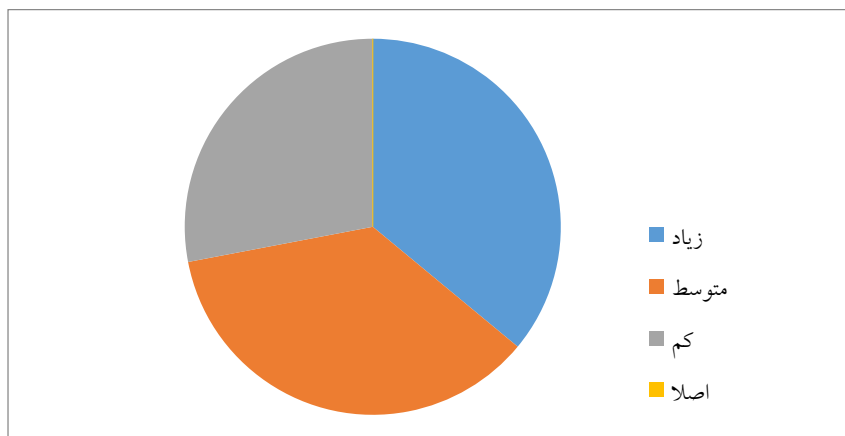
احساس گناه با فراوانی، ۰٪ زیاد، ۹٪ متوسط، ۳۳٪ کم و ۵۸٪ کاملاً با احساس شرم هم‌سو است.



شکل ۱۲. عوامل آسیب زا از نگاه مخاطب

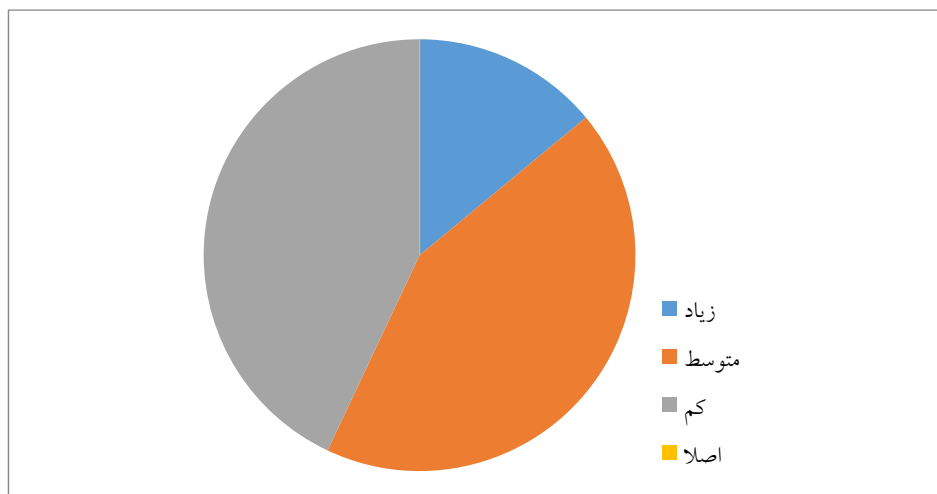
با توجه به نمودار بالا سنت‌های حاکم بر جامعه با فراوانی ۴۹٪ بیشترین عامل و زنان با فراوانی ۰٪ کمترین عامل آسیب بوده‌اند که نشان دهنده غالب و مسلط بودن سنت‌ها بر سطح جامعه که امکان جرات‌ورزی را برای شخصیت‌های فیلم و مخاطب محدود ساخته است.

تحلیل آسیب‌پذیری مخاطبان زن در سینمای ایران ... (فرشته سالارکریمی و دیگران) ۹۱



شکل ۱۳. تقلید ناخودآگاه

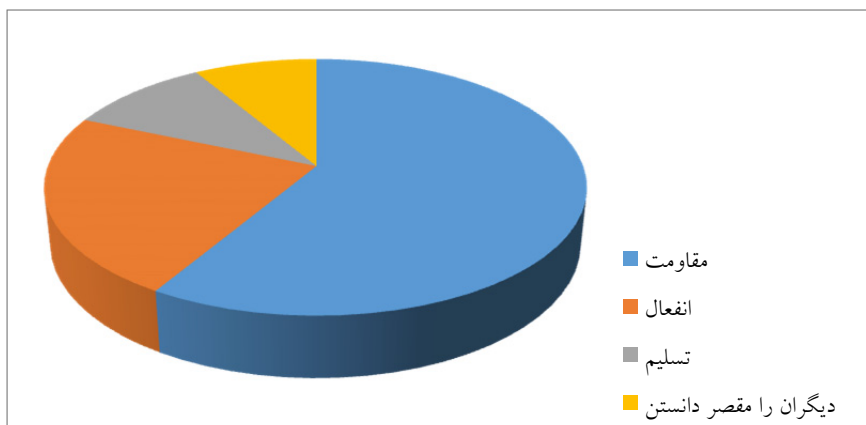
نتایج داده‌ها در تقلید ناخودآگاه مخاطب از الگوی رفتار شخصیت‌های فیلم‌هایی که در گذشته دیده است (۳۶٪ زیاد، ۳۶٪ متوسط، ۲۸٪ کم و ۰٪ اصلا) نشان می‌دهد که الگوهای رفتاری الزاما فقط آگاهانه تقلید نمی‌شوند.



شکل ۱۴. تقلید آگاهانه

نتایج تقلید آگاهانه مخاطب از الگوی رفتاری شخصیت‌ها در فیلم‌هایی که در گذشته دیده است (۱۴٪ زیاد، ۴۳٪ متوسط، ۴۳٪ کم و ۰٪ اصلا) و فراوانی کمتر این رفتارها نسبت به

فراوانی رفتارهای تقلیدی ناخودآگاهانه نشان می‌دهد که مقدار تاثیرپذیری مخاطب بیشتر ناخودآگاه است تا آگاهانه و همین مساله رفتار نوروهای آینه‌ای را تایید می‌کند.



شکل ۱۵. واکنش مخاطب در شرایط مشابه

همچنین در پاسخ به پرسش اگر مخاطب در شرایط مشابه کاراکترهای این دو فیلم قرار بگیرد چه واکنشی خواهد داشت، بیشتر مخاطبان علی‌رغم اینکه در شرایط مشابه مقاومت را انتخاب می‌کنند (۸۴٪ مقاومت، ۸٪ انفعال، ۰٪ تسلیم و ۸٪ دیگران را مقصر دانسته‌اند) اما به نظر می‌رسد آنچه نمود بیرونی است دقیقاً رفتار شخصیت است زیرا بر اساس نتایج نمودار قبل تاثیرپذیری مخاطب بیشتر ناخودآگاه است تا آگاهانه. و بر اساس پژوهش‌ها در زمینه علوم اعصاب نوروهای آینه‌ای رفتارهای تقلیدی غیر ارادی هستند که صرف تماشای این نوروها در مغز مخاطب فعال می‌شوند و الزاماً تقلید از الگوهای رفتاری شخصیت فیلم‌ها به صورت ارادی و آگاهانه نیست.

۶. نتیجه‌گیری

سینما به عنوان مطرح‌ترین و پر مخاطب‌ترین و لاجرم تأثیرگذارترین رسانه‌ی بشری در عصر حاضر، جایگاه بزرگی را که سایر صور و اشکال ارتباط جمعی در قرون گذشته داشته‌اند، به خود اختصاص داده است. کاری که شعر در قرن شش و هفت انجام می‌داد، فعلاً بر عهده‌ی سینما قرار گرفته است. تصور سینمایی که از جامعه‌ی خود عناصر فراوانی را برنداشته باشد امکان‌پذیر نیست. نقش‌ها و شخصیت‌های سینمای ایران از آدم‌هایی درون جامعه ایرانی الگو

برداری شده است. زن‌های فیلم‌های ایرانی را می‌شود در کوچه و بازار دید و باز شناخت و اگر در سینمای ایران نقش زنان حول عنصر درجه دومی و انفعال شکل گرفته طبعاً ناشی از این دیدگاه و نظر به زن در این جامعه بوده است. از سوی دیگر سینما خود تنها یک نمایان‌گر منفعل و بی‌خاصیت جامعه نیست. سینما می‌تواند همانند هر هنر دیگر بر مردمان جامعه‌ای که از ایشان نقش گرفته اثر بگذارد و چنان‌چه این نقش با تصور سنتی و کهن‌الگویی مردم آن جامعه منطبق باشد این تأثیرگذاری بیشتر و بیشتر هم خواهد بود.

بر اساس تحلیل فیلم‌های انتخاب شده، واکاوی نتایج پرسش‌نامه‌ها و نیز بررسی و استفاده از تحقیقات روانشناسی صورت گرفته در خصوص اپی‌ژنتیک و تأثیرهای محیط بر رفتار ژنها بدون تغییر در ترتیب و ترکیب آن‌ها و نیز نقش سینما بر رفتار آدم‌ها چه در سطوح فیزیولوژی و چه در سطوح رفتاری و خلق و خو و شخصیت و بر اساس نمودارها و اطلاعات بررسی شده می‌توان نتیجه گرفت که سینما به خوبی قابلیت تأثیرگذاری بر رفتار، خلق‌و‌خو، احساسات، افکار، رفتار و در نهایت شخصیت مخاطب را دارد.

داده‌های نتایج پرسش‌نامه کیفی نشان می‌دهد که این دو فیلم تجربه هیجانات شدید منفی برای مخاطب داشته است. شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف در نهایت یا تسلیم قوانین حاکم بر جامعه، یا سنت‌های حاکم بر جامعه و گاهی مردان شده‌اند (فیلم دو زن) و اگر مقاومت کرده‌اند در نهایت برای آن‌ها رنج و ناکامی به همراه داشته است (فیلم کافه ترانزیت). با توجه به این که چگونه بازنمایی مکرر زنان تحت سلطه، درمانده و یا تسلیم‌پذیر در فیلم‌ها، با فعال‌سازی نوروهای آینه‌ای و درونی‌سازی الگوهای رفتاری، می‌تواند مسیرهای عصبی مرتبط با درماندگی را تقویت کند. این فرایند، مطابق نظریه‌ی یادگیری مشاهده‌ای و نظریه نوروهای آینه‌ای احتمال انتقال این الگوها به نسل‌های بعدی از طریق تغییرات اپی‌ژنتیکی را افزایش می‌دهد. نکته قابل تامل این است که در این دو فیلم تلاش کارگردانان در راستای به چالش کشیدن شرایط و محدودیت‌ها برای شخصیت‌های اصلی زن فیلم است اما به نظر می‌رسد آنچه ناخواسته به آن دامن زده شده بازتولید رفتارهایی از قبیل تسلیم، درماندگی و انفعال است.

در اینجا باید توجه داشت که سینما به عنوان عامل انتقال این الگوهای رفتاری بر اساس نظریه اپی‌ژنتیک به عنوان یک عامل محتمل بررسی شده و پرسش تحقیق در حد همان پرسش باقی می‌ماند چرا که برای تبدیل شدن این پرسش به یک تئوری لازم است فیلم‌های بیشتری با دقات بیشتری در بستر آزمایشگاهی بررسی شوند و مخاطبین قبل و بعد از دیدن فیلم‌ها مورد

بررسی دقیق قرار گیرند. مسلماً این پژوهش نخستین گام در بررسی این ارتباط است و انجام مطالعات طولی چندنسلی برای سنجش دقیق تر تأثیر سینما بر تغییرات اپی ژنتیک است. امید نویسندگان آن است که سوالی که در ذهنشان از تلفیق تأثیر سینما و تأثیرات اپی ژنتیک به وجود آمده با این پژوهش برای عموم پژوهشگران مطرح شود و آنها را به بررسی های دقیق تر و کاربردی تر راهنما باشد.

پی نوشت

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول به راهنمایی نگارنده سوم که در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است.

کتاب نامه

- آقا یوسفی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۶)، *روان شناسی عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ص ۲۳۹-۲۴۰.
- راودراد، اعظم و صدیقی خویدکی، ملکه (۱۳۸۵)، تغییرات نقش زن در آثار سینمایی رخشان بنی اعتماد، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۶ ص ۵۶-۳۱.
- سقاپور، مهدی، حسینی، سید امیر، حسینی، نسیم محمد (۱۳۹۵)، "اثرات محیطی بر تغییرات ژنتیکی"، دومین کنگره ملی راهکارهای دست یابی به توسعه پایدار در بخش های توسعه علم و فناوری، تهران.
- داریل بم، ادوارد اسمیت و همکاران، (۱۳۸۹)، زمینه روان شناسی هیلگارد، ترجمه، مهرداد بیگ و همکاران، نشر رشد، تهران.

Anderson, C. A., Carnagey, N. L. & Eubanks, J. (2003) Exposure to violent media: "The effects of songs with violent lyrics on aggressive thoughts and feelings". *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 84, No. 5.

Delcuve, G.P., Rastegar, M. and Davie, J.R., (2009) *Epigenetic control. Journal of cellular physiology*, 219(2), pp.243-250.

Delcuve, G.P., Rastegar, M. and Davie, J.R., (2009) *Epigenetic control. Journal of cellular Nature*, 150(3811), p.563

Guan, Z., Giustetto, M., Lomvardas, S., Kim, J. H., Miniaci, M. C., Schwartz, J. H.,... Kandel, E. R. (2002) "Integration of long-term-memory- related synaptic plasticity involves bidirectional regulation of gene expression and chromatin structure". *Cell*, 111(4), 483-493.

- Gregg, C., Zhang, J., Weissbourd, B., Luo, S., Schroth, G. P., Haig, D., & Dulac, C. (2010) "High-resolution analysis of parent-of-origin allelic expression in the mouse brain". *Science*, 329(5992), 643–648. doi: 10.1126/science.1190830.
- Harper, L.V. (2005) *Epigenetic inheritance and the intergenerational transfer of experience*. Psychological Bulletin, 131, 340-360.
- Hernandez LM, Blazer DG, 2006, *Genes, Behavior and the social Environment: moving Beyond the Nature/Nurture Debate*, national academies press.
- Picard, Martin. McEwen, Bruce (2018) *Psychological Stress and Mitochondria*. Psychosom Med. 2018 Feb-Mar; 80(2): 141–153.
- Kaplan, Ann A. Kaplan. (1992) *Motherhood and Representation: the Mother in Popular Culture and Melodrama*. London: Routledge.
- Kubrak, Tina, (2020) *Impact of Films: Changes in Young People's Attitudes after Watching a Movie*. 2020 May; 10(5): 86.
- Painter, R. C., Roseboom, T. J., & Bleker, O. P. (2005) *Prenatal exposure to the Dutch famine and disease in later life: an overview*. Reproductive Toxicology, 20(3), 345–352.
- Schultheiss, O.C., Stanton, S.J, 2009, "The hormonal correlates of implicit power motivation," *Journal of Research in Personality* 43 (5), 942-949.
- Vialou, Vincent. Feng, Jian. J. Robison, Alfred. J. Nestler, Eric (2013) *Epigenetic Mechanisms of Depression and Antidepressant Action*. Annu Rev Pharmacol Toxicol. 2013, 53:59-87.